

بررسی سبکی لایه واژگانی غزلیات قاری عبدالله بر پایه

سبک‌شناسی لایه‌ای

شفیق‌الله شفقت^۱، غلامرضا مستعلی پارسا^۲

چکیده

سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از شگردهای جدیدی سبک‌شناسی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان متون ادبی را به شیوه درون‌متنی و بر اساس لایه‌های سازنده (آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و فکری) مورد بررسی و تحلیل قرار داد. در میان سایر انواع، سبک‌شناسی لایه‌ای از جمله دقیق‌ترین شیوه‌های معمول در توضیح آثار ادبی است که با استمداد آن می‌توان از یک سو مشخصه‌های مهم زبانی اثر را انگشت‌نشان ساخت و از سوی دیگر، به ایدئولوژی ایجادگر ادبی و فکر حاکم بر اثر پی برد. در این مقاله تلاش شده است تا ویژگی‌های سبکی غزلیات ملک الشعراء قاری عبدالله در لایه واژگانی با رویکرد (توصیفی - تحلیلی) مورد بررسی قرار گیرد. پس از بررسی و دقت، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سرودهای قاری بسامد واژگان انتزاعی، رمزگان مربوط به خرابات و طریقت، واژه‌های عام و ترکیب‌های اضافی بسیار بالا بوده است؛ هم‌چنان کاربرد واژگان عامیانه و نواژه‌ها مطلبی دیگری است که باعث تشخیص سبکی شاعر در لایه واژگانی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: لایه واژگانی، واژگان انتزاعی، رمزگان، ملک الشعراء عبدالله، دیوان غزلیات قاری

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۱

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۴/۵

مقدمه

سبک‌شناسی، انواع و روش‌های زیادی دارد؛ سبک‌شناسی لایه‌ای یا (مدرن) یکی از انواع آن به شمار می‌رود که ادب‌پژوهان در این اواخر به آن عنایت زیادی نموده‌اند. سبک‌شناسی لایه‌ای به بررسی ویژگی‌های برجسته و شاخصه‌های برانزده در پیدایش سبک فردی در هر یک از لایه‌های پنج‌گانه می‌پردازد. در این شیوه پیوستگی عناصر و مشخصه‌های بیرونی متن با محتوا و مضمون آن، به‌آسانی قابل‌درک و تحلیل است (جعفری، ۱۳۹۹: ۱۸۵). از سوی دیگر، سبک‌شناسی لایه‌ای بر پایه علم زبان‌شناسی استوار بوده و به خصوصیات سبکی آثار را دید زبان‌شناسی می‌نگرد. در سبک‌شناسی لایه‌ای با توجه به بافت موقعیتی به عنوان کلان‌لایه، شعر به خردلایه‌ها (لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی و لایه ایدئولوژیک) تجزیه گردیده و با بررسی خردلایه‌های شعری به مطالعه سبک آن پرداخته می‌شود. «سبک‌شناسی لایه‌ای متن را در پنج لایه بررسی می‌کند. وقتی متن را در پنج لایه مختلف تحلیل می‌کنیم، مشخصه‌های برجسته سبک و نقش و ارزش آن‌ها در هر لایه جداگانه مشخص می‌شود. این روش، کشف و تفسیر پیوند مشخصه‌های صوری متن با محتوای آن را آسان‌تر می‌سازد؛ زیرا سهم و نقش هر بخش از زبان در شکل دادن به سبک به‌روشنی نشان داده می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۳۸).

لایه واژگانی از لایه‌های مهم و قابل‌توجه در سبک‌شناسی مدرن به شمار می‌رود. در این بخش بیش‌تر به واژگان توجه صورت می‌گیرد؛ واژه‌گزینی و کاربرد نوع و بسامد واژه‌ها از عوامل تعیین‌کننده سبک اثر ادبی است. واژه‌ها ایستا و غیر متحرک نیستند، بلکه تحرک و پویایی دارند؛ متولد شده و رشد می‌کنند، کهن و فرسوده می‌شوند و سرانجام می‌میرند و در گورستان واژه‌نامه‌ها دفن می‌شوند. تاریخ سرگذشت و زندگی‌نامه دارند، حتا شخصیت، شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارد، برخی انعطاف‌ناپذیرند و برخی در اثر تغییرهای محیط و بافت زبانی اطراف آن تغییر شکل و معنا می‌دهند. واژه‌ها دارای ساختارهای متفاوت صرفی، گونه‌های مختلف معنایی و شیوه‌های گوناگون کاربردی‌اند. کاربرد فراوان گروه‌های خاص واژگانی در متن‌های زبانی و آثار ادبی، زمینه تنوع سبک‌ها را پدید می‌آورد. بنابراین برای سبک‌شناس کاربردهای برجسته، معنادار و نقش‌مند یک گروه یا طبقه واژگانی اهمیت بررسی پیدا می‌کند (همان: ۲۴۹).

در مطالعه لایه واژگانی، مؤلفه‌هایی از قبیل واژگان حسی و انتزاعی، عموم و خصوص، عامیانه‌گی و شکوه‌مندی، کهن‌گرایی و واژه‌سازی، رمزگان، اشاره‌گر (شاخص‌های اشخاص، مکان، زمان) نشان‌دار و بی‌نشان و دیگر عناصری چون ترادف، تضاد و تکرار و... بررسی می‌شود. در همین راستا، پژوهش حاضر کوشش دارد تا در سایه سبک‌شناسی لایه‌ای، مشخصه‌های سبکی غزلیات قاری عبدالله را در لایه واژگانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از روش‌های نو و مهم در راستای بررسی سبک آثار شاعران و نویسندگان به حساب می‌رود. این شیوه در افغانستان کم‌تر مورد توجه بوده و کارهای قابل ملاحظه‌ای در این حوزه به انجام نرسیده است. با توجه به آنچه گفته آمد و این که تاکنون هیچ پژوهش جامع که به بررسی سبک شعر قاری عبدالله با رویکرد لایه‌ای پرداخته باشد، انجام نیافته است؛ لذا کوشش می‌شود تا مشخصه‌های سبکی غزلیات شاعر در لایه واژگانی با استفاده از این رویکرد روشمند به بررسی گرفته شده و نتایج آن در مقاله حاضر گنجانیده شود.

هدف پژوهش

یک: معرفی شاعر و تبیین برجستگی‌ها و مزایای شعری او به ادب‌دوستان غیر افغانی است.
دو: بررسی شاخصه‌های سبکی غزلیات قاری عبدالله در لایه واژگانی بر اساس سبک‌شناسی مدرن است.

بیان مسئله

ملک الشعراء قاری عبدالله فرزند حافظ قطب‌الدین یکی از شاعران توانا، نویسنده چیره‌دست و مترجم ممتازی است که در دوران فترت ادبی و کساد بازار شعر و ادبیات، در افغانستان عرض‌اندام نموده و با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود چراغ شعر و ادب را در این خطه روشن کرده است. هم شاعر برجسته است و هم ادیب و ناقد نکته‌یاب. همچنان در عالم عرفان و فلسفه اسلامی پایگاهی بلندی دارد و از نظر سابقه شعری و نوعی پیشوایی و استادی حق او بر دیگر گویندگان معاصر افغانستان مقدم است. آثار متعددی از اندیشه و خامه قاری تراوش یافته و سروده‌های فراوانی از او به یادگار مانده است. برخی از آثار و تألیفات قاری عبارتند از: حالات شعراء (۱۳۱۱، کابل)، مجموعه منتخب نظم و نثر (کابل، ۱۳۱۹)، کلید الصرف (کابل، ۱۳۱۹)، فن معانی (کابل، ۱۳۲۷)، قواعد فارسی (لاهور، ۱۳۴۶)، مصاحبه اخلاقی، اشهر مشاهیر شرق، انشاء و محاکمه، المنبع الجدید، ترجمه فصوص الحکم حضرت شیخ اکبر، ترجمه رساله الصید شیخ محمود حسن، ترجمه سخندان فارس، کتابی در بلاغت، سراج الصرف، سراج النحو، ترجمه منطق امام غزالی، تذکره الشعراء معاصر، ترجمه مغازی واقدی، کتاب املا و اصول تقیط و دیوان اشعار قاری (حنیف بلخی، ۱۳۶۴: ۶۱۶-۶۱۷).

قاری در سرایش شعر، به ویژه غزل، سبک خیلی عالی و ویژه‌ای را انتخاب نموده است و جا دارد تا ویژگی‌های سبکی غزلیات او با استفاده از شیوه سبک‌شناسی مدرن (سبک‌شناسی لایه‌ای) مورد موشکافی قرار گیرد و از این طریق روزه تازه‌ای در ادبیات معاصر افغانستان گشوده شود. از آنجا که مقاله حاضر گنجایش بررسی سبک‌شناسانه لایه‌های پنج‌گانه غزلیات قاری را ندارد؛ لایه واژگانی به عنوان لایه برجسته‌تر از دیگران، در آثار وی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

۱. «دو ملک الشعراء هم روزگار: قاری و بیتاب» فرمند، غلام‌حسین. (۱۳۸۵)، اثر تحقیقی است که در خصوص زندگی، کارکردهای ادبی و خصوصیات شعری دو شاعر هم‌روزگار افغانی (قاری عبدالله و عبدالحق بیتاب) نگارش یافته است. در این اثر به فعالیت‌های ادبی شاعر و برخی از رموز شعری و ویژگی‌های کلام او اشاره شده است.

۲. «شعر فارسی معاصر در افغانستان، قاری عبدالله ملک الشعراء» شفیع‌کدکنی، محمدرضا. این مقاله به شرح زندگی و جایگاه شعری قاری عبدالله اشاره شده است. هم‌چنان خصوصیات شعری او را به بررسی گرفته شده و نکات برجسته سخن قاری را انگشت‌نشان ساخته است.

۳. «دو ملک الشعراء: بهار و قاری» کهدوی، محمدکاظم. کهدوی در این مقاله زندگی دو ملک الشعراء هم‌عصر فارسی در ایران و افغانستان را به گونه مقایسه‌ای به بررسی گرفته است. شرح زندگی، کارکردهای ادبی، خصوصیات بارز کلام، جهان‌بینی و جایگاه شعری شاعران متذکره از مباحث اساسی این مقاله است.

این و از این قبیل آثار و نوشته‌های زیادی در زمینه زندگی، کارکردهای ادبی، جایگاه و خصوصیات شعری ملک الشعراء قاری عبدالله نگارش یافته است. هم‌چنان در حوزه سبک‌شناسی لایه‌ای پژوهش‌های فراوانی به انجام رسیده و کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های زیادی نگارش یافته‌اند؛ اما پژوهش مشخصی که به بررسی سبکی اشعار قاری عبدالله در لایه‌های واژگانی و بلاغی پرداخته باشد، به چشم نمی‌خورد.

مبانی نظری پژوهش

سبک‌شناسی

سبک‌شناسی، یکی از علوم اساسی ادبی به شمار رفته که در این اواخر توجه پژوهشگران ادبی را به خود مبدول داشته است. در رابطه به این علم و شناخت آن دیدگاه‌ها و تعریف‌های متعددی ارائه شده که هر یک به‌گونه‌ای بر ماهیت و کارکرد سبک‌شناسی روشنی انداخته است. سبک‌شناسی دانشی جدیدی است که به باور برخی‌ها با رشته‌های نقد ادبی و زبان‌شناسی بستگی تنگاتنگی دارد («سبک-شناسی پدیده‌ای نوظهور و مرتبط با موضوعات و رشته‌های آکادمیک نقد ادبی و زبان‌شناسی است که به کشف تخطی از اصول و قواعد زبان معیار می‌پردازد») (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۲)؛ فتوحی نیز به نقل از میسترک دانشمند غربی می‌نویسد: «سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۹۲). شمیسا در باب ماهیت سبک‌شناسی و این که سبک‌شناسی با چه سروکار داشته، آورده است: «همواره طیفی از عاطفه و احساس به واحد فکری

اضافه می‌شود که موجب اختلاف سبک می‌شود و سبک‌شناسی به یک تعبیر بررسی همین چگونگی محتوای عاطفی آثار ادبی است» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۴۷).

سبک‌شناسی در عصر کنونی هم به جنبه‌های زبانی و ادبی در یک متن توجه دارد و هم به ایدئولوژی حاکم بر یک متن و عناصر سازنده ایدئولوژی. باید تذکر داد که عوامل سازنده ایدئولوژی به دو دسته فردی و اجتماعی بخش‌بندی می‌شود. آنچه را عوامل فردی می‌خوانیم، در برگرنده هوش، حساسیت، ذوق، خوی، عادت، سرشت و فطرت است و عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، طبقاتی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، جغرافیایی، سیاسی، شغلی، آموزشی، تربیتی، میهنی و بین‌المللی را شامل می‌شود (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۶۶۰).

سبک‌شناسی لایه‌ای

سبک‌شناسی، انواع و روش‌های زیادی دارد؛ سبک‌شناس لایه‌ای یا (مدرن) یکی از انواع آن به شمار می‌رود که ادب‌پژوهان در این اواخر به آن عنایت زیادی نموده‌اند. سبک‌شناسی لایه‌ای به بررسی ویژگی‌های برجسته و شاخصه‌های برانزده در پیدایش سبک فردی در هر یک از لایه‌های پنج‌گانه می‌پردازد. در این شیوه پیوستگی عناصر و مشخصه‌های بیرونی متن با محتوا و مضمون آن، به‌آسانی قابل درک و تحلیل است (جعفری، ۱۳۹۹: ۱۸۵).

در سبک‌شناسی لایه‌ای یا مدرن، یک اثر ادبی در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی می‌شود. اهمیت و مزیت این شگرد آن است که بهره‌گیری از روش‌های گوناگون را در هر لایه امکان‌پذیر می‌سازد. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸) سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن)، دانشی است که در تحلیل و بررسی ویژگی‌های سبکی متن از مؤثرترین شگردها بهره می‌گیرد؛ از آواها آغاز می‌کند و تا واژگان و انواع و کیفیت کاربرد آن‌ها و تعابیر و ترکیبات، همچنین نحو و ساختار جمله‌ها و بلاغت و کاربرد اندیشه و ایدئولوژی هنرمند را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد؛ و در نهایت از مجموع کلیت ساختار اثر به اهداف هنری سخنور پی می‌برد (محمدی افشار، ۱۳۹۶: ۲۶۲). همچنین این روش، مشخصه‌های برجسته سبک و نقش و ارزش آن را در هر لایه به گونه جداگانه تثبیت نموده و کشف و تفسیر پیوند مشخصه‌های صوری متن با محتوای آن را آسان می‌سازد و از آشفتگی تحلیل و تداخل داده‌ها و دیدگاه‌ها جلوگیری کرده و در هر لایه، امکان کاربرد نگرگاه‌ها و روش‌های مناسب را فراهم می‌سازد. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

لایه واژگانی

واژه، کوچک‌ترین واحد معنادار زبان است (وفایی، ۱۳۹۰: ۱۶) که برای انتقال مفاهیم از آن استفاده می‌شود. در هر زبان واژه‌های فراوانی وجود دارد که بر اساس قواعد دستوری زبان معیار و هنجار یک ملت به صورت قیاسی ساخته می‌شوند. در مطالعات سنتی از زبان و نیز در ادبیات‌شناسی فارسی،

واژه به عنوان سنگ بنای زبان و عنصر اساسی سخن ادبی شناخته می‌شود. چنان‌که آن را عنصر سحرآمیز تلقی می‌کنند. «عصر سحرآمیز بدین معنا که در عرصه‌های گوناگون زمانی یک واژه کار یک جمله، یک پاراگراف و یا چند جمله را می‌کند؛ محض یک واژه قلبی را می‌آزارد و نفرین بار می‌آورد و یا فقط یک واژه بابی از شادی و سرور را بر روی دیگران می‌کشد. در تاریخ بشریت بسا دیده شده است که با یک واژه تنی بر باد رفته و با یک واژه سری سزاوار تاج افتخار گشته است» (یمین، ۱۳۸۱: ۱)؛ بنابراین گزینش واژه و کاربرد آن، چه در گفتار و چه در نوشتار، در تشخیص جایگاه متن و تعیین نوع سخن و تعبیر از دنیای درون و نوع تفکر گوینده و نویسنده اساسی‌ترین معیار نقد و ارزیابی سخن قرار می‌گیرد. انتخاب واژه یک عملکرد زبانی و شناختی و ادراکی است. زبان از طریق واژه بار معنایی و مقصود گوینده خویش را به مخاطب انتقال می‌دهد و این بار معنایی می‌تواند اندیشه و ایدئولوژی را انعکاس دهد و یا جنبه‌های احساسی متن را در خود حمل کند (صادقی، ۱۳۹۷: ۹۱). واژه‌گزینی و کاربرد نوع و بسامد واژه‌ها از عوامل تعیین‌کننده سبک اثر ادبی است. واژه‌ها ایستا و غیر متحرک نیستند، بلکه تحرک و پویایی دارند؛ متولد شده و رشد می‌کنند، کهن و فرسوده می‌شوند و سرانجام می‌میرند و در گورستان واژه‌نامه‌ها دفن می‌شوند. تاریخ سرگذشت و زندگی‌نامه دارند، حتا شخصیت، شناسنامه و بار عاطفی و فرهنگی دارد، برخی انعطاف‌ناپذیرند و برخی در اثر تغییرهای محیط و بافت زبانی اطراف آن تغییر شکل و معنا می‌دهند. واژه‌ها دارای ساختارهای متفاوت صرفی، گونه‌های مختلف معنایی و شیوه‌های گوناگون کاربردی‌اند. کاربرد فراوان گروه‌های خاص واژگانی در متن‌های زبانی و آثار ادبی، زمینه تنوع سبک‌ها را پدید می‌آورد. بنابراین برای سبک‌شناس کاربردهای برجسته، معنادار و نقش‌مند یک گروه یا طبقه واژگانی اهمیت بررسی پیدا می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۴۹).

واژگان حسی و انتزاعی

واژه‌های که بیانگر باورها، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی بوده، انتزاعی‌اند و واژه‌های که بر چیزهای حسی، واقعی و بیرونی دلالت دارند، عینی و حسی به حساب می‌روند. وفور واژه‌های عینی، سبک متن را حسی کرده و کثرت واژه‌های ذهنی سبب انتزاعی شدن سبک می‌گردد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۱). به کارگیری واژه‌های حسی به جنبه تجسمی شعر می‌افزاید و باعث التذاذ و تأثیرگذاری بیش‌تر آن می‌شود. ایجاد تصویرهای تلفیقی از واژگان حسی و انتزاعی، شکل هنری‌تر در ساختار صوری ادبیات پدید می‌آورند که در نتیجه آن، خوانند ناگزیر به دقت و تفکر بیش‌تر شده و به غرض درک هرچه بهتر معنا و مفهوم سرگرم اندیشیدن می‌گردد (صرفی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

در غزل‌های مورد نظر ما در دیوان قاری، ۱۴۵۰ واژه حسی و حدود ۲۰۹۴ واژه انتزاعی به کار رفته است. با بررسی‌هایی که در این زمینه انجام شد، دیده می‌شود که واژگان انتزاعی با ۵۹٪ بسامد، غلبه بر واژگان حسی را نشان می‌دهد؛ بنابراین سبک واژگانی شاعر ذهنی، غیر محسوس، تاریک و غیر

نمایشی است؛ تصاویر، مدلول واضح‌تری در ذهن مخاطب ایجاد نموده نمی‌تواند، از این رو مخاطب در درک مفاهیم غزلیات قاری با ابهام مواجه می‌شود.

جدول شماره (۱): بسامد واژگان حسی و انتزاعی

شماره	انواع واژگان	تعداد	درصدی
۱	حسی	۱۴۵۰	۴۱٪
۲	انتزاعی	۲۰۹۴	۵۹٪

واژگان حسی:

چمن ز سیر خطت از بنفشه شد دل‌سرد / یمن به دور لب‌ت از عقیق شد دل‌گیر

(عبدالله، ۱۳۸۷: ۲۹۲)

دل ز گلبرگ رخت گر سخن تر می‌گفت / لب شیرین تو هم قند مکرر می‌گفت

هر که پامال کند خون مرا کور شود / زیر سر پنجه شهباز کبوتر می‌گفت

(همان: ۱۹۸)

واژگان انتزاعی:

قسمتم زان دهن تنگ چو شد تنگ‌دلی / حاصلی نیست خورم گر غم پیش و کم را

دم تیغ تو گذشت از سر ما تیز افسوس / نشمردیم غنیمت، نفسی این دم را

(همان: ۱۲۷)

نه درد بیم رهن نه غمی از کاروان دارم / درین ره چون جرس از دوری منزل‌فغان دارم

عدم‌سرمایه را خجالت بود اندیشه هستی / درین سودا ندیدم سود اما صد زیان دارم

(همان)

اشاره‌گر

«اشاره‌گر، یا واژگان اشاره‌گر عناصری زبانی‌اند که مقید به بافت موقعیتی بوده؛ یعنی به مکان، زمان و یا شخصیت‌هایی اشاره می‌کنند که از طریقی بازشناسی موقعیت اجزای سخن شناخته می‌شوند. اشاره‌گر اجتماعی، عنوان، صفت و لقبی است که به لزوم موقعیت اجتماعی افراد انتخاب می‌شود. از طریق نام مکان‌ها، زمان‌ها، عنوان و لقب اشخاص، می‌توان تأثیرات ایدئولوژیک متن را از عناصر برون‌متنی شناسایی کرد» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۲).

جدول شماره (۲): بسامد انواع اشاره‌گر

شماره	انواع اشاره‌گرها	تعداد	درصدی
۱	اشخاص	۱۰۵۱	۷۶٪

۲	مکان	۱۸۱	۱۳٪
۳	زمان	۱۵۴	۱۱٪

با توجه به جدول فوق می‌توانیم این مطالب را برداشت کنیم:

در غزلیات قاری عبدالله، سه نوع اشاره‌گر اشخاص، مکان و زمان به چشم می‌خورد. حدود ۷۶٪ از اشاره‌گرها در سروده‌های وی، مربوط به اشخاص، ۱۳٪ مربوط به مکان و ۱۱٪ آن اشاره‌گرهای زمان هستند. در این میان، اشاره‌گر اشخاص با ۷۶٪ از کل اشاره‌گرها، بیش‌ترین بسامد را داشته است. در بحث اشاره‌گرهای اشخاص، بیش‌تر ذکری از (خضر، مسیحا، سلیمان، کلیم و خلیل) به میان آمده است که بیانگر جهان‌بینی دینی شاعر می‌باشد؛ همچنان از شاعرانی چون (بیدل و صاحب) یادآوری صورت گرفته است که دال بر گرایش و تمایل قاری به شعر و شیوه آنان است.

اشخاص:

گر سلیمان به نگین داشته شهرت ز چه رو به کف آورده مسیحای لبت خاتم را
(عبدالله ۱۳۸۷: ۳۴۸)

چون دُر کلام بیدل قاری به گوش خودکش از حلقه دهانش هر گه سخن بر آید
(همان: ۲۳۲)

به یار قاری ما از زبان صائب گفت قیامت از لب چون پسته تو شور گرفت
(همان: ۲۱۸)

مکان:

به بزم جلوه که عالم تمام محفل اوست کلیم آمد و مشعل ز نخل طور گرفت
(همان: ۲۱۸)

زمان

پیش رخت نمانده دگر آب و تاب صبح ای چهره تو شسته‌تر از آفتاب صبح
باز آ و تیره‌روزی شام غمم ببین ای مطلع جبین تو نایب‌مناب صبح
(همان: ۲۲۳)

رمزگان

هر رمزگان، گنجینه‌ای از دانش و معلومات بوده و شکل‌دهی، درک و تفسیر متون را ممکن می‌سازد و بیش‌تر بافت‌بنیاد و فرهنگ‌بنیاد است. زبان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگان-های دیگری چون: رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظام‌های حرکتی، فواصل و غیره، به واسطه زبان و از طریق انبوهی روایات و حکایات انباشته‌شده در فرهنگ قابل

توصیف و بیان هستند (خراسانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸۰). از دید نشانه‌شناسان، رمزگان‌ها دسته‌های مختلفی داشته که عبارت از رمزگان کلامی، بدنی، کالایی، ساختاری و فرایندی می‌باشند. رمزگان، مشخصه‌های صوری زبان ایجادگر ادبی و بیانگر دلالت‌های واضح است. به کار بستن واژگان زیاد و متناسب با مفاهیمی که بار ارزشی دارند، از شیوه‌های برجسته سبک یک شاعر به حساب می‌رود. «نوع رمزگان در لایه واژگانی و نقش آن رمزگان در متن، میزان وابستگی و دل‌سپردگی مؤلف به گفتمان‌های مسلط و نسبت او با ایدئولوژی و نهادهای قدرت را مشخص می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

جدول شماره (۳): بسامد انواع رمزگان

شماره	انواع رمزگان	تعداد	درصدی
۱	رمزگان مربوط به شریعت	۸۳	۲۲%
۲	رمزگان مربوط به خرابات و طریقت	۲۹۴	۷۸%

با توجه به بررسی بالا، در لایه واژگانی غزلیات قاری عبدالله، با ۲۲٪ رمزگان مربوط به شریعت و ۷۸٪ رمزگان مربوط به خرابات و طریقت مواجه هستیم. از این میان، رمزگان مربوط به خرابات و طریقت بسامد بالایی دارند؛ این امر دلالت بر آن دارد که شاعر اندکی مسیر تصوف را طی کرده است و چاشنی‌ای از عرفان را داشته است؛ آن‌هم به شیوه خراباتی. رمزگان شریعت:

مسلمانان که می‌گویند زمن آن نامسلمان را
 که چشم کافرت برد از نگاهی دین و ایمان را
 مسلمانان به این دلق کهن زاهد نمی‌باشد
 به آن بت سجده‌ای گر تازه خواهی دین و ایمان را
 (عبدالله ۱۳۸۷: ۱۲۰)

رمزگان خرابات و طریقت:

عالم خم سر بسته یاز است و در آن خم
 چون هوش کنی پیاده ناب است دل ما
 در باطن ما قلم اسرار زند موج
 هر چند به ظاهر چو سراب است دل ما
 (همان: ۱۳۰)

و یا:

زاهد از خامی خود سبچه و اشکی دارد
 پختگان را نبود آب جدا دانه جدا
 زاهد و تقوی خشک و من این دامن تر
 رسم پرهیز شد از مشرب رندانه جدا
 (همان: ۱۳۴)

ترکیب‌های اضافی و وصفی و واژه‌های مرکب

یکی از راهکارهای هنجارگریزی و ایجاد سبک این است که شاعر دست به ساخت واژگان تازه بزند، البته با استمداد امکانات واژه‌سازی زبان فارسی از قبیل ترکیب و اشتقاق. این رویکرد، از یک سو بر اثرگذاری شعر می‌افزاید و از سوی دیگر باعث تقویت گنجینه لغوی زبان می‌شود و یکی از شگردهایی است که سخنور از طریق آن زبان خود را برجسته می‌سازد و نیز پس از قاعده‌کاهی معنایی، قوی‌ترین ابزار شعرآفرینی است (شریفی دهنری، ۱۳۹۹: ۷۵). ایجادگر ادبی همیشه تلاش دارد تا دست به تنوع و نوآوری بزند و عواملی را دریافته و به کار بندد که منجر به شکوهمندی سخن او شود. «از عوامل تشخیص دادن به زبان و به قول صورت‌گرایان روسی از عوامل خارج کردن زبان از حالت اعتیادی آن، یکی هم ساختن ترکیبات است... ترکیب ممکن به گونه‌ای باشد که در خواننده ایجاد شگفتی و «آشنایی‌زدایی» کند و حاصل این آشنایی‌زدایی در هنر این است که ما حقیقت اشیا را کشف کنیم» (شفیعی کدکنی: ۱۳۹۸: ۲۸).

جدول شماره (۴): بسامد انواع ترکیب‌ها و واژه‌ها

شماره	انواع ترکیب‌ها و واژه‌ها	تعداد	درصدی
۱	ترکیب‌های اضافی	۷۴۶	۶۱/۸٪
۲	ترکیب‌های وصفی	۲۶۵	۲۱/۶٪
۳	واژه‌های مرکب	۲۱۱	۱۷/۲٪

با انجام بررسی ما در غزلیات قاری، ۶۱٪ ترکیب اضافی و ۲۱٪ ترکیب وصفی و ۱۷٪ واژه مرکب به ملاحظه رسید؛ با این حال دیده می‌شود که شاعر در صدد است تا اثرگذاری و دلنوازی سروده‌هایش را بیش‌تر ساخته و به این شیوه بتواند دل و دیده مخاطب را تسخیر کند. همچنان بسامد بلند ترکیب‌های اضافی و وصفی و واژگان مرکب دال بر این است که شاعر برای غنای لغوی فارسی دست و پا زده و تلاش نموده است.

ترکیب‌های اضافی:

کی گفته‌ام که چشم تو تدبیر کرده است ما را اسیر زلف تو تقدیر کرده است
ملک دلم خراب شد از یک اشاره‌اش نازم به ایروی تو چه شمشیر کرده است

(عبدالله ۱۳۸۷: ۱۸۶)

ترکیب‌های وصفی:

خط از آن رویِ نکو سر نکشیده است هنوز گلشن سبزه پیگانه ندیده است هنوز
دست گلچین نرسیده است به گلبرگ ترش خط گلی از چمن حسن نچیده است هنوز

(همان: ۲۹۹)

واژه‌های مرکب:

دست گلچین نرسیده است به گلبرگ ترش خط گلی از چمن حسن نچیده است هنوز
(همان: ۲۹۹)

عموم و خصوص واژگان

در این مقوله، به شرح و توضیح واژگانی غزل از منظر عام یا خاص بودن، پرداخته می‌شود. اسم خاص، اسمی را گویند که اطلاق آن بر فرد یا افراد مخصوص و معینی شده و شامل تمام افراد هم-جنس نمی‌گردد و نشانه‌های جمع و نکره را نمی‌پذیرد. اسم عام شامل تمام افراد هم‌جنس گردیده و همه وابسته‌ها (پسوند پیشوند) را می‌پذیرد (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰: ۸۵). کاربرد واژگان عام و خاص در یک متن باعث دیگرگونی سبک آن می‌گردد. هرچه بسامد واژگان عام در متن زیاد باشد، سبک آن کلی‌تر است، برعکس هرچه واژگان خاص متن بیش‌تر باشد، سبک متن مصداقی‌تر است (عرب عامری و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲۷)

جدول شماره (۵): بسامد انواع واژه‌های عام و خاص

شماره	انواع واژه‌ها	تعداد	درصدی
۱	واژه‌های عام	۲۱۵۶	۹۴٪
۲	واژه‌های خاص	۱۳۸	۶٪

با توجه به بررسی‌های که صورت گرفت، تکرار واژه‌های عام در سروده‌های قاری عبدالله ۹۴٪ و تکرار واژه‌های خاص ۶٪ است. بسامد واژه‌های عام به مراتب بیش‌تر از واژه‌های خاص است، در نتیجه گفته می‌توان که سبک شاعر ذهنی و دایره معنایی و محور جذب مخاطب و درجه تصویری و نمایشی بودن متن سروده‌های قاری به مراتب محدود است.

واژه‌های عام:

رخ گلبرگ او گل می‌کند نام گلستان را
سر قتل کدامین خسته را داری سرت گردم
خط سبزش سیه می‌سازد آخر روز ریحان را
چنین کن زهر چشمت آب دادی تیغ مژگان را
(عبدالله ۱۳۸۷: ۱۲۰)

واژه‌های خاص:

دل من ز آتش عشقت شده گلزار خلیل
تپش بسمل نازش نتوان کرد علاج
لاله داغ تو سر زرد ز فضای دل من
دست بردار مسیحاً ز دوی دل من
(همان: ۳۵۷)

عامیانگی و شکوه‌مندی واژه

معمولاً شاعران در سروده‌های خود از واژگان فاخر و شکوهمند استفاده می‌کنند؛ به ویژه شاعرانی که با دربارها در ارتباط هستند. حتی در گذشته‌ها کاربرد واژگان عامیانه و محلی در شعر عیب پنداشته می‌شد؛ اما در روزگاران معاصر کاربرد واژگان عامیانه یکی از عوامل تشخیص بخشیدن متن به حساب می‌رود. «کلمات زندگی امروز وقتی در کنار کلمات سنگین و مغرور گذشته می‌نشینند، ناگهان تغییر ماهیت می‌دهند و قد می‌کشند و در یک‌دستی شعر اختلاف‌ها فراموش می‌شود» (سلیمی، لیلا؛ اسداللهی، خدابخش، ۱۳۹۶: ۱). بافت رسمی و عامیانه، هر کدام واژگان خاص خود را دارند. واژها و تعبیرهای که در بین مردمان رده پایین جامعه متداول می‌شود، تعبیر عامیانه هستند. کاربرد این بخش از زبان در موقعیت‌های رسمی شایسته نیست؛ زیرا ناآشنا، ناهموار، تند و گاهی دور از ساحت ادب و گستاخانه جلوه می‌کند. در مقابل دیگر، واژگان شکوهمند قرار داشته که دارای ارزش و اعتبار اجتماعی بالا هستند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۳).

از آن‌جا که قاری، استاد، محقق و شاعر درباری و دبیر بود، سخنش شکوهمندی داشته و بسامد واژگان عامیانه در سروده‌های وی بسا پایین است؛ در سراسر غزلیات او واژگان شکوهمند موج می‌زند و به کثرت دیده می‌شود. در مقابل یک تعداد واژه‌های محلی و عامیانه را نیز در سروده‌هایش جا داده است. در غزلیات مورد نظر ما، حدود ۱۹۰ واژه عامیانه به کار گرفته شده است. قاری با استفاده از زبان محلی و واژگان محلی در کنار واژه‌های رسمی، زبان سروده‌های خود را در ذهن مخاطب ماندگار کرده است.

جدول شماره (۶): بسامد واژه‌های عامیانه

شماره	انواع واژه	تعداد
۱	واژه‌های عامیانه	۱۹۰

واژه‌های عامیانه:

سر قتل کدامین خسته را داری سورت‌گوردم

چنین کز زهر چشمت آب دادی تیغ مژگان را

(عبدالله ۱۳۸۷: ۱۲۰)

یا:

با توام هیچ نمانده‌ست سیر و کار دگر

خاطر آسوده ز پیش تو بیلا خواهم رفت

راست گویم دل من کنده نگردهد قاری

زان سر کو چو روم رو به قفا خواهم رفت

(همان: ۱۶۳)

کهن‌گرایی، نوواژه‌ها و ترکیبات جدید

کهن‌گرایی نوعی هنجارگریزی و انحراف از زبان معمول است. کهن‌گرایی عبارت است از به کار بردن واژگان و ساختارهای که در گذشته متداول بوده، اما در اشعار شاعران امروزی و معاصر رواج چندانی ندارد. بهره‌گیری به جا و مناسب از این شیوه زبانی، علاوه بر تعالی بخشیدن و اصالت‌دهی به شعر، باعث اعجاب مخاطب و سبب التذاد برای وی نیز می‌شود. «هم کاربرد واژه‌های کهن و قدیمی و هم ساختن واژه‌های تازه هر دو منجر به خروج از هنجار عادی زبان و نهایتاً تمایز سبکی می‌شود ... کاربرد عناصر تاریخ‌مند زبان ردر یک بافت زمانی تازه‌تر را کهن‌گرایی (آرکائیسیم) می‌گویند» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۴). کهن‌گرایی سبب اعتلا و برتری سخن و زبان اثر می‌گردد. «شاید پس از وزن و قافیه، معروف‌ترین و پرتأثیرترین راه‌های تشخیص دادن به زبان، کاربرد آرکائیک زبان باشد؛ یعنی، به کار بردن الفاظی که در زبان روزمره عادی به کار نمی‌روند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۲۴).

نو واژه‌ها به صورت‌های تازه زبانی که محصول فرایند ذهنی شاعر هستند، اطلاق می‌گردد و یا به عبارت روشن‌تر، به ساختن واژه‌های جدید بر اساس قیاس دستوری و اصول ساخت واژه توسط شاعر گفته می‌شود. در این نوع واژگان وجه معنایی و عناصر سازنده از مؤلفه‌های اساسی به شمار می‌روند. هم‌چنین میزان پذیرش و تداول، آن‌ها بستگی به میزان خلاقیت شاعر در ساخت و پشتوانه ریشه‌ای و صرفی آن‌ها دارد (ونارجی، مژگان؛ صرفی، محمد رضا، ۱۳۹۴: ۱۹۱). یکی از انواع هنجارگریزی، هنجارگریزی واژگانی است که موجب آفرینش واژگان جدید می‌شود. بررسی واژگان جدید و بر ساخته شاعر یکی از ابزار مهم در سبک‌شناس شعر اوست. شاعر می‌تواند اندیشه‌های خود را در قالب واژگان بریزد و به مخاطب ارائه کند و اگر با کمبود مواجه شد، دست به گزینش بزند و واژه جدید بسازد (جعفری، ۱۳۹۹: ۱۹۴)

جدول شماره (۷): بسامد واژه‌های کهن و جدید

شماره	کهن‌گرایی و نو واژه‌ها و ترکیب‌های جدید	تعداد
۱	کهن‌گرایی	۳۲۴
۲	نو واژه‌ها و ترکیب‌های جدید	۳۱۴

ملک الشعراء قاری عبدالله، از هر شگرد و شیوه به غرض نوآوری و تأثیرگذاری سخن در سروده‌های خود استفاده نموده است؛ به همین منظور، هم واژگان کهن و هم واژه‌ها و ترکیبات تازه را در غزلیات خود مورد استفاده قرار داده است. با این کار از یک طرف وسعت دید و جهان‌بینی‌اش را به مخاطب نشان داده و از سوی دیگر تلاش ورزیده تا زمینه درک مفاهیم شعری خود را برای مخاطب آسان بسازد.

واژگان کهن:

تا کد امین سر شوریده به خاک افتاده دل به تیغ ننگه او سخن از سر می‌گفت

(عبدالله ۱۳۸۷: ۱۹۸)

- خوردیم به دل نلوک دلدوز قضا را
در پستی اِدبار سعادَت نتوان جست
- در رخنه‌گری تیز چو مژگان شما نیست
برگشتگی بخت سیه بال هما نیست
- (همان: ۱۷۵)
- واژگان جدید:
سوار ابرش ناز است برفِ جولانی
فغان که شعله جواله شد سوار آتش
- (همان: ۳۰۴)
- ترکیب‌های نو:
شکایت‌نامه زلف درازش کی شود کوتاه
دل از طومار آه خویش گر دفتر برون آرد
- (همان: ۲۴۲)

نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل لایه واژگانی غزلیات قاری بر اساس رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای به نتایج ذیل دست یافتیم:

ملک الشعراء قاری عبدالله، برای شکوهمندی سروده‌های خویش مانند سائر شاعران مبتکر و موشکاف دست به تنوع و نوآوری‌ها زده و تلاش ورزیده با استفاده از هر نوع امکانات زبانی سبک غزلیاتش را برجستگی بخشید. با این حال، در بخش کاربرد واژگان حسی و انتزاعی دیده می‌شود که واژگان انتزاعی با بسامد ۵۹٪ بر واژگان حسی غلبه دارد که سبک شاعر را ذهنی، غیرمحسوس، تاریک و غیرنمایشی ساخته است. در بخش رمزگان، دیده شد که رمزگان مربوط به خرابات و طریقت با ۷۸٪ بسامد جالب توجه بوده و نشان‌دهنده آن است که شاعر به عرفان و تصوف به شیوه خراباتی و قلندران توجه داشته است. همچنان ترکیب‌های اضافی، وصفی و واژه‌های مرکب در سروده‌های وی به وفور دیده می‌شود؛ با این کار شاعر در صدد است تا اثرگذاری سروده‌هایش را بیش‌تر ساخته و در راستای غنای گنجینه لغوی فارسی تلاش نماید.

واژگان شکوهمند در غزلیات قاری بسامد بس بلندی دارد؛ همچنان ترکیبات و واژه‌های نو در سروده‌های او به کثرت به ملاحظه رسید، اما یکی از نقاط ضعف شاعر عدم توجه به کهن‌گرایی و لغات عامیانه است. کهن‌گرایی و توجه به کاربرد لغات عامیانه باعث تمایز سبکی شعر می‌گردد که قاری عبدالله در این بخش دست‌آوردی ندارد.

منابع

- احمدی، حدیث؛ پناهی، مهین؛ یگانه، سپیده. (۱۳۹۹). سبک‌شناسی لایه‌های غزلیات سلمان ساوجی (لایه‌های نحوی و واژگانی). فصل‌نامه علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی. سال پنجم. شماره دهم. صص ۱۱-۲۸.
- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۲. تهران: انتشارات فاطمی.
- جفری، مجید. (۱۳۹۹). سبک‌شناسی لایه‌های مثنوی‌های اسرار خودی و رموز بیخودی علامه آقبال لاهوری. دو فصلنامه زبان و فرهنگ ملل. شماره ۵. صص ۱۷۷-۲۰۶.
- حنیف بلخی، محمد حنیف. (۱۳۶۴). بر طاووس یا شعر فارسی در آریانا. کابل: نامعلوم.
- خراسانی، فهیمه. (۱۳۹۵). رمزگان و وجه: دو عامل متمایزکننده در سبک‌شناسی گفتمانی قصاید ناصر خسرو. دو ماهنامه جستارهای زبانی. پیاپی ۳۲. صص ۱۷۵-۱۹۳.
- سلیمی، لیل؛ اسداللهی، خدابخش. (۱۳۹۶). بررسی عامیانی و شکوه واژگان در اشعار فروغ فرخزاد. مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری.
- شریفی دهری، میلاد. (۱۳۹۹). پایان‌نامه سبک‌شناسی لایه‌های پنجاه غزل از دیوان صائب تبریزی، با راهنمایی دکتر غلامرضا مستعلی پارسا. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شفیع کدکی، محمد رضا. (۱۳۹۸). موسیقی شعر. چاپ نوزدهم. تهران: نشر آگه.
- شمسیا، سیروس. (۱۳۸۸). سبک‌شناسی شعر. تهران: نشر میترا.
- صادقی، معصومه. (۱۳۹۷). سبک‌شناسی لایه واژگانی سروده‌های پایداری سید حسن حسینی. فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات دفاع مقدس. شماره ۲. پیاپی ۱۴. صص ۸۷-۱۱۲.
- صرفی، محمد رضا؛ ونارجی، مؤگان. (۱۳۹۴). سبک‌شناسی لایه‌های اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده (لایه آوایی و واژگانی). نشریه ادبیات پایداری. شماره دوازدهم. صص ۱۶۹-۱۹۵.
- عرب عامری، فاطمه؛ حسن‌زاده، عبدالله؛ شکری، یدالله. (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی مقامات حمیدی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای. نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). شماره پیاپی ۶۸. صص ۲۱۷-۲۴۰.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها). چاپ سوم. تهران: انتشارات سخن.
- قاری، عبدالله. (۱۳۹۰). غزلیات ملک الشعراء قاری عبدالله، تصحیح عفت مستشارنیا. تهران: مؤسسه انتشارات عرفان.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). در باره ادبیات و نقد ادبی، جلد ۲. تهران: امیر کبیر.
- قاری، عبدالله. (۱۳۹۰). غزلیات ملک الشعراء قاری عبدالله، تصحیح عفت مستشارنیا. تهران: مؤسسه انتشارات عرفان.
- محمدی افشار، هوشنگ؛ شایان‌مهر، کبری. (۱۳۹۶). سبک‌شناسی لایه‌های مجموعه اشعار قیصر امین‌پور. نشریه ادبیات پایداری. شماره ۱۶. صص ۲۵۹-۲۸۱.
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۰). دستور کاربردی متن ادبی، چاپ اول. تهران: سخن.
- یمین، محمدحسین. (۱۳۸۱). واژه‌شناسی در زبان پارسی دری. پشاور: میوند.

